





The University of Tehran Press

The Place of the Environment in the Case law Governing International Free Trade

Mahsa Navabifard¹ | Mahmoud Jalali² 

1. PhD in International Law, Faculty of Law and Humanities, Isfahan Azad University(Khurasgan), Isfahan, Iran. Email: mahsa_navvabifard@yahoo.com
2. Corresponding Author; Associate Professor, Law Department, University of Isfahan, Isfahan, Iran. Email: m.jalali@ase.ui.ac.ir

Article Info	Abstract
<p>Article Type: Research Article</p> <p>Pages: 2203-2222</p> <p>Received: 2020/09/16</p> <p>Received in Revised form: 2021/03/13</p> <p>Accepted: 2021/06/27</p> <p>Published online: 2024/12/21</p> <p>Keywords: <i>international free trade, environmental protection, international judicial jurisprudence, national courts.</i></p>	<p>Today, environmental protection is considered one of the most important international concerns. In this regard, numerous international efforts have been made, including the conclusion of various environmental treaties and the efforts of international and regional trade organizations such as NAFTA, the European Union, and even the World Trade Organization, to incorporate environmental protection regulations within trade regulations. Furthermore, the judicial practices of international bodies such as the International Court of Justice, international arbitration tribunals, and quasi-judicial international bodies like WTO panels, as well as competent domestic authorities, have played a significant role in environmental protection. The question is: to what extent has international judicial practice been effective in enhancing environmental protection? This research, utilizing descriptive-analytical methods, seeks to answer this question. The aim of this paper is to clarify the place and importance of environmental regulations in international trade relations. The emphasis of the article is on examining the rulings of international courts and quasi-judicial bodies, international arbitrations, and domestic authorities.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Navabifard, Mahsa; Jalali, Mahmoud (2025). The Place of the Environment in the Case law Governing International Free Trade. <i>Public Law Studies Quarterly</i>, 54 (4), 2203-2222. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsqt.2021.309938.2558</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22059/jplsqt.2021.309938.2558</p>
<p>Publisher</p>	<p>The University of Tehran Press. </p>



انتشارات دانشگاه تهران

فصلنامه مطالعات حقوق عمومی

شاپا الکترونیکی: ۸۱۳۹-۲۴۲۳

دوره ۵۴، شماره ۴

زمستان ۱۴۰۳

Homepage: <http://jplsq.ut.ac.ir>

جایگاه محیط زیست در رویه قضایی حاکم بر تجارت آزاد بین المللی

مهسا نوابی فرد^۱ | محمود جلالی^۲

۱. دانش آموخته دکتری حقوق بین الملل دانشکده حقوق و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. رایانامه: mahsa_navvabifard@yahoo.com

۲. نویسنده مسئول؛ دانشیار گروه حقوق دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: m.jalali@ase.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>صفحات: ۲۲۰۳-۲۲۲۲</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۶</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۲/۲۳</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۶</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: تجارت آزاد بین المللی، حفاظت از محیط زیست، رویه قضایی بین المللی، محاکم داخلی.</p>	<p>امروزه حفاظت از محیط زیست از مهم ترین موضوعات و دغدغه های بین المللی به حساب می آید. در این زمینه تلاش های بین المللی متعددی از جمله از طریق انعقاد معاهدات متنوع محیط زیستی، تلاش سازمان های تجاری بین المللی و منطقه ای مانند نفتا، اتحادیه اروپا و حتی سازمان تجارت جهانی صورت گرفته است تا بتوانند مقررات حفاظت از محیط زیست را در ضمن مقررات تجاری بگنجانند. افزون بر این رویه های قضایی مراجع بین المللی مانند دیوان بین المللی دادگستری و دیوان های دآوری بین المللی و مراجع شبه قضایی بین المللی مانند پنل های سازمان تجارت جهانی و همچنین مراجع ذی صلاح داخلی در زمینه حفاظت از محیط زیست نقش مهمی ایفا کرده اند. سؤال این است که رویه قضایی بین المللی تا چه اندازه در ارتقای حفاظت از محیط زیست مؤثر بوده است؟ این تحقیق با بهره گیری از روش توصیفی و تحلیلی، در پی پاسخگویی به پرسش مذکور است. هدف این مقاله تبیین جایگاه و میزان اهمیت مقررات زیست محیطی در روابط تجاری بین المللی است. تأکید مقاله بر بررسی آرای محاکم قضایی و شبه قضایی بین المللی، دآوری های بین المللی و مراجع داخلی است.</p>
استناد	نوابی فرد، مهسا؛ جلالی، محمود (۱۴۰۳). جایگاه محیط زیست در رویه قضایی حاکم بر تجارت آزاد بین المللی. <i>مطالعات حقوق عمومی</i> ، ۵۴ (۴)، ۲۲۰۳-۲۲۲۲. DOI: https://doi.com/10.22059/jplsq.2021.309938.2558
DOI	10.22059/jplsq.2021.309938.2558
ناشر	انتشارات دانشگاه تهران.



۱. مقدمه

برای شناسایی و بررسی رویه قضایی بین‌المللی در حوزه تجارت آزاد لازم است که نحوه صدور آرای قضایی را در مراجع قضایی بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان دائمی داوری و همچنین مراجع شبه‌قضایی مانند پنل‌های سازمان تجارت جهانی را که نقش بسیار مهمی در حفظ و حراست از محیط زیست در کنار آزادسازی تجاری در جهان داشته‌اند، بررسی کنیم. افزون بر این برای شناخت و اجرای موازین زیست‌محیطی در داخل کشورها، بهتر است نظام حقوقی داخلی کشورها در موضوعات زیست‌محیطی به‌خصوص هنگامی که بحث سرمایه‌گذاری خارجی مطرح می‌شود، بررسی شود.

رویه مراجع قضایی بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری و دیوان داوری مبتنی بر حقوق بین‌الملل عمومی و روش‌های سنتی است و بیشتر آرای صادره در این مراجع مستند به نقض تعهدات قراردادی شده‌اند. البته هرچند دیوان با پرونده‌های محدودی در زمینه محیط زیست مواجه شده، اما در همگی توجه خاصی به مقررات زیست‌محیطی داشته و حتی این موازین را جزء تعهدات حقوق بین‌الملل عمومی قرار داده است. اما عملکرد مراجع شبه‌قضایی مانند پنل‌های سازمان تجارت جهانی پویاتر و تخصصی‌تر ارزیابی می‌شود. در محاکم داخلی نیز، می‌توان گفت حفاظت از محیط زیست، سهل‌الوصول‌تر است، زیرا مسئله حفاظت از محیط زیست در ضمن معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری مطرح می‌شود و زیرمجموعه حقوق بشر قرار گرفته و به شرطی که این مسئله وارد نظام قانونی داخلی کشور شده باشد، به راحتی قابل اعمال است.

۲. دادگاه‌ها و مراجع قضایی بین‌المللی

۲.۱. دیوان بین‌المللی دادگستری

در سال ۱۹۹۳ دیوان بین‌المللی دادگستری دفتری (اتاقی) را برای رسیدگی به موضوعات زیست‌محیطی در اختلافات زیست‌محیطی بین دولت‌ها تأسیس کرد. این عملکرد دیوان در پرتو ماده (۱) ۲۶ اساسنامه دیوان و با توجه به ایده توسعه حقوق محیط زیست ایجاد شده بود. این اتاق همچنان پابرجاست، اما برخی صاحب‌نظران معتقدند که وجود این دفتر باید مجدد ارزیابی شود، زیرا بسیاری از دولت‌ها، دعاوی صرفاً زیست‌محیطی خود را به دیوان ارجاع نمی‌دهند (Beharry & Kuritzky, 2015: 412)، زیرا هیچ دو کشوری موافقت نکرده‌اند که اختلاف فی‌مابینشان اساساً و صرفاً، زیست‌محیطی است و دولت‌ها نیز همچنان مرددند که اختلافات زیست‌محیطی‌شان را به قضاوت بین‌المللی ارجاع دهند یا نه. بنابراین برای مثال، در خصوص تخریب لایه ازن یا تغییرات اقلیمی و آلودگی‌های سولفور، دولت‌ها یک رویه غیرجدی (غیراهانت‌آمیزی) را اتخاذ و سعی کرده‌اند که بیشتر از طریق رویه‌های اداری به آن رسیدگی کنند (ICJ Rep, 2016 Para: 5).

در کل نقش دیوان بین‌المللی دادگستری نه‌تنها بیان قواعد موجود است، بلکه در شکل بخشیدن به حقوق در حال تحول به‌صورت قواعد عرفی مؤثر است. دیوان در زمینه محیط زیست دارای سه مرحله پیشرفت است. در دوره اول قضایایی چون کانال کورفو، بارسلونا تراکشن و آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه، در دوره دوم قضایایی چون گابچیگوناگی ماروس، نظریه مشورتی در خصوص مشروعیت تهدید و یا کاربرد سلاح هسته‌ای و در دوره سوم با قضایایی چون کارخانه تولید کاغذ ۲۰۰۶، صید نهنگ، ساخت جاده ساحلی کاستاریکا ۲۰۱۱ مواجه شده است که طی این سه دوره شاهد پیشرفت دیوان در اجرای مقررات زیست‌محیطی هستیم (زارعی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۰۲). در این قسمت به چند پرونده زیست‌محیطی که در دیوان بررسی شده‌اند اشاره می‌کنیم.

۲.۱.۱. گابچیگوناگی ماروس

دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۷ رأی خود را در خصوص قضیه طرح گابچیگو-ناگی ماروش صادر کرد. قضیه پروژه گابچیگو و ناگیماروسا اولین قضیه مطروحه در دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست بود. اما درحالی‌که دیوان برای اولین بار به مفهوم توسعه پایدار اشاره کرد، تعهدات زیست‌محیطی گسترده طرفین به‌ندرت مورد توجه اکثریت قضات دیوان قرار گرفت (عزیزی و موسوی، ۱۳۹۵: ۱۱۰). در پرونده مذکور دیوان متوجه پیچیدگی‌های حقوقی خاصی بین دو کشور مجارستان و اسلواکی در ارتباط با اجرای سیستم سد دانوب شد. بین دو کشور مذکور معاهده‌ای در سال ۱۹۷۷ برای ساخت و اجرای این پروژه وجود داشت که یکی از طرفین از ایفای تعهد خود به‌دلیل وجود اثبات زیست‌محیطی بودن این طرح خودداری کرده بود. دیوان نظر داد که هرچند نقض تعهد از سوی یک طرف معاهده می‌تواند حق عمل متقابل را برای طرف دیگر ایجاد کند، اما این به معنی پایان بخشیدن به اعتبار معاهده فی‌مابین آنان نیست (آرش‌پور، ۱۳۹۲: ۲۳-۲۵). به‌طور خلاصه قضیه مذکور تلاقی یا برخورد حقوق قراردادی ناشی از معاهده ۱۹۷۷ با قواعد عمومی مربوط به رژیم حقوقی رودخانه‌ای و حمایت از محیط زیست است (وکل، ۱۳۷۸: ۱۸۴). در این رأی دیوان کمتر وارد مباحث زیست‌محیطی شد، اما یکی از قضات به‌طور مفصل به مسئله حفاظت از محیط زیست رودخانه پرداخت و این مسئله سبب الگوبرداری دیوان و حتی محاکم داخلی در حمایت از محیط زیست در پرونده‌های بعدی شد.

۲.۱.۲. پرونده رودخانه مایلز

مورد بعدی مربوط به پرونده آرژانتین علیه اروگوئه در خصوص رودخانه مایلز^۱ است. در این پرونده

دادگاه مقرر کرد که اروگوئه متعهد شده بود به موجب معاهده‌ای که با آرژانتین داشت، پیش از شروع به ساخت‌وساز، به آرژانتین اطلاع‌رسانی کند و در این زمینه شور و مشورت انجام دهد و اروگوئه این تعهد را نقض کرده است. به هر حال دادگاه بیان کرد که اعلام نقض تعهدی که انجام داده، به‌خودی‌خود برای دریافت خسارت مبتنی بر ادعای آرژانتین کافی است.

همچنین دادگاه اظهار کرد که اروگوئه از تعهد به هماهنگی با آرژانتین برای ایجاد آژانس مدیریتی رودخانه به‌صورت دوجانبه، سرپیچی کرده و نظارت بر پاکیزگی و ممانعت از آلودگی آب و بستر رودخانه را رعایت نکرده است. رأی دادگاه از این حیث بسیار پراهمیت است که دیوان مقررات زیست‌محیطی را به‌عنوان یک رویه، در دسته تعهدات حقوق بین‌الملل عمومی قرار داده و به رسمیت شناخته است (ICJ Rep, 2016: 10-12). بنابراین از دید دیوان نقض تعهدات زیست‌محیطی همانند نقض سایر تعهدات در حقوق بین‌الملل عمومی سبب ایجاد تعهد به جبران خسارت برای طرف خاطی خواهد شد.

۳.۱.۲. پرونده صید نهنگ در قطب جنوب

کنوانسیون بین‌المللی صید نهنگ ۱۹۴۶ صرفاً صید نهنگ را به‌دلیل تحقیقات علمی مجاز دانسته بود، اما در این کنوانسیون از تحقیقات علمی تعریفی به‌عمل نیامده بود. ژاپن برنامه تحقیقات علمی روی نهنگ‌ها را به موجب اجازه خاص، در قطب جنوب (۲۰۰۲-۱۹۸۰) تأسیس کرد و در سال ۲۰۰۴ آن را از سر گرفت.

در ۳۱ می / ۲۰۱۰ استرالیا دعوی را علیه ژاپن طرح کرد و قانونی بودن برنامه علمی صید نهنگ ژاپن را به موجب کنوانسیون صید نهنگ، کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های در معرض خطر انقراض (CITES) و کنوانسیون تنوع بیولوژیکی، به چالش کشید (ICJ and Environmental Case Law: Thinking Points, 2016: 24, 2016: 24). دیوان در نهایت رأی داد که برنامه ژاپن برای صید نهنگ در قطب جنوب با هدف علمی و پژوهشی نبوده و این کشور با صید نهنگ، موافقت‌نامه ۱۹۸۶ را نقض کرده است. دیوان همچنان از ژاپن خواست تا برنامه تحقیقاتی خود را در این منطقه به حال تعلیق درآورد.

در این پرونده حفظ گونه‌های در معرض خطر مانند نهنگ‌ها، که از مصادیق حفظ محیط زیست هستند، مدنظر دیوان بوده است. در واقع این رأی نیز نشان‌دهنده برتری جایگاه حفاظت از محیط زیست در مقابل اهداف تجاری در دیوان است. شواهد نشان می‌دهد که مردم ژاپن علاقه زیادی به استفاده از گوشت نهنگ دارند و از گفته مسئولان این کشور می‌توان دریافت که صید نهنگ‌ها از سال ۱۹۸۶ با مقاصد تجاری و در سطح بالایی انجام گرفته است (یورو نیوز، ۲۰۱۳). بنابراین دیوان با متوقف کردن صید نهنگ توسط ژاپن از یک سو به نقض تعهدات قراردادی و از سوی دیگر به نقض حقوق بین‌الملل

محیط زیست پایان داد.

۴.۱.۲. پرونده کارخانه‌های تولید خمیر کاغذ

در آوریل ۲۰۰۶ آرژانتین علیه اروگوئه در دیوان اقدام به طرح دعوا کرد، با این ادعا که اروگوئه تعهدات مندرج در معاهده دوجانبه ۱۹۷۵ (معروف به اساسنامه رودخانه اروگوئه) را نقض کرده است. آرژانتین، اروگوئه را به ریختن تفاله کارخانه در رودخانه بدون رعایت تشریفات و اطلاع‌رسانی قبلی متهم کرد و معتقد بود که آسیاب‌ها محیط زیست رودخانه را تهدید می‌کند و اروگوئه باید به دلیل تقصیر در اجرای کامل مفاد معاهده به این کشور خسارت بپردازد. همچنین پروژه باید متوقف شود. معاهده ۱۹۷۵ دو حق اساسی برای آرژانتین مقرر می‌کند: یکی حق جلوگیری از آلودگی توسط اروگوئه و دیگری عدم ایجاد آلودگی محیط زیست مطابق با استانداردهای قابل اجرای بین‌المللی. بدین سبب این کشور از دیوان تقاضای صدور قرار موقت به منظور متوقف ساختن پروژه را کرد که با آن موافقت نشد.

در نتیجه دیوان بین‌المللی دادگستری در ۲۰ آوریل ۲۰۱۰ رأی خود را در این قضیه صادر کرد. دیوان پس از بررسی شکلی و ماهوی دعوا، الزامات طرفین به همکاری بین‌المللی، مذاکره و الزام به حفاظت محیط زیست را یادآور شد، با اینکه دولت اروگوئه را به نقض تشریفات شکلی برای اطلاع‌رسانی به دولت آرژانتین محکوم کرد، ولی از لحاظ ماهوی به سبب عدم احراز ضرر و زیان و خسارات زیست‌محیطی، رأی به محکومیت دولت اروگوئه نداد (ICJ Rep, 2010: summary).

در این رأی دیوان به صراحت مسئله حفاظت محیط زیست را مدنظر قرار داد، اما فعالیت کارخانه را متوقف نکرد و به دلیل عدم تشخیص خسارت زیست‌محیطی رأی به پرداخت غرامت صادر نکرد.

۵.۱.۲. قضیه سمپاشی هوایی ۲۰۰۸

پرونده دیگر، قضیه سمپاشی هوایی ۲۰۰۸، دعوی اکوادور علیه کلمبیا است. اکوادور ادعا می‌کند کلمبیا با سمپاشی هوایی مزارع کشت خشخاش واقع در مناطق مرزی و نزدیک مرز دو کشور، موجب خسارت شدید به مردم، محصولات، حیوانات و آلودگی محیط زیست این کشور شده است.

اکوادور ادعا می‌کند کلمبیا حقوق این کشور ناشی از حقوق بین‌الملل عرفی و معاهده‌ای را نقض کرده است. دیوان باید در این زمینه تعارض منافع اساسی دو دولت را ارزیابی می‌کرد (منافع اساسی اکوادور مربوط به محیط زیست طبیعی و منافع اساسی کلمبیا مربوط به ضرورت مبارزه با قاچاق و کشت خشخاش است). اما با توجه به اینکه صلاحیت دیوان اختیاری و مبتنی بر اراده طرفین اختلاف است، از این رو با توافق طرفین در سال ۲۰۱۳ مبنی بر حل موضوع در خارج از دیوان، این مرجع قضایی نتوانست یکی از وظایف مهم خود، یعنی توسعه حقوق را در این قضیه عملی کند و در

این زمینه ناکام ماند (ICJ Rep, 2013:138).

موارد مذکور، مصادیقی از پرونده‌های زیست‌محیطی در دیوان بین‌المللی دادگستری بودند که ارزیابی شدند. با بررسی آرای یادشده توجه ویژه دیوان به مسائل زیست‌محیطی را شاهد بودیم. هرچند این روند به‌کندی حرکت می‌کند، اما امیدواریم سبب ارتقای جایگاه محیط زیست در رویه قضایی پیش‌رو در دیوان شود.

۲.۲. دیوان‌های داوری بین‌المللی

اهمیت روزافزون موضوعات مرتبط با محیط زیست و تلاش برای «سبز شدن» حقوق بشر در داوری بین‌المللی از ابتکارات مهمی است که توسط نهادهای بین‌المللی تنظیم شده است و می‌تواند به‌طور مؤثر برای حل و فصل اختلافات مربوط به انرژی و محیط زیست از آن استفاده کرد. موارد متعددی از سوی محاکم دائمی داوری بررسی شده‌اند که موضوع آنها شامل اختلافات زیست‌محیطی در حوزه صنعتی، مبارزه با مواد شیمیایی سمی، فعالیت معادن، عملیات استخراج نفت و موضوعات نسل جدید مانند انرژی‌های تجدیدپذیر، تنوع زیستی و کاهش تغییرات آب‌وهوایی می‌شود. به‌طور کلی، مسائل زیست‌محیطی ممکن است جنبه قضایی پیدا کند. برای مثال در بحث سرمایه‌گذاری خارجی که ممکن است به محیط زیست آسیب بزند. دولت‌ها باید مسئله غیرخودسرانه و غیرتبعیض‌آمیز بودن سرمایه‌گذاری خارجی را بتوانند ثابت کنند (Berardicurti, 2018: 27).

توافقنامه‌های سرمایه‌گذاری بین‌المللی مانند معاهدات دوجانبه سرمایه‌گذاری، یک اصول حقوقی را برای دولت سرمایه‌گذار تعیین می‌کند که به شرط رضایت دولت میزبان، طرفین برای حل و فصل اختلافات زیست‌محیطی به داوری مراجعه کنند. این موافقت‌نامه‌ها به‌طور خاص اصل احتیاطی را در طرح دعوا مدنظر قرار می‌دهند و همچنین لزوم اجرای خسارت در صورت نقض تعهدات قراردادی از اصول دیگر این موافقت‌نامه‌ها به حساب می‌آید (Beharry & Karitzky, 2015: 410). به لحاظ رویه‌ای، مراجعه به دیوان داوری در حوزه سرمایه‌گذاری به‌صورت اجباری و پیش از بروز اختلاف به موجب معاهده اصلی، تعیین می‌شود. درحالی‌که دیوان دائمی داوری قواعد بهتری را در سال ۲۰۰۱ برای اختیاری کردن داوری در اختلافات زیست‌محیطی و منابع طبیعی ایجاد کرده است، این قواعد مبتنی بر مقررات کمیسیون سازمان ملل در خصوص تجارت بین‌المللی (انسیترال)^۱ هستند. طبق این قواعد، طرفین حق دارند دوران را از فهرست مشخصی انتخاب کنند و ادله خود را مبنی بر اسناد (تکنیکی) فنی و غیر فنی به داوری ارائه دهند (Beharry & Kuritzky, 2015: 413).

به چند مورد از پرونده‌های مطرح‌شده در دیوان‌های داوری در این حوزه اشاره می‌شود:

به تازگی در یک اختلاف نظر چندین ساله بین کنکوفیلیس^۱ و جمهوری اکوادور، دیوان داور داور دستور داد که این شرکت مبلغ ۳۹ میلیون دلار بابت خسارات زیست محیطی به محیط زیست آمازون (اکوادور) در خصوص جنگل‌های بارانی به این کشور بپردازد. همچنین در این مورد دیوان داور مسئله ادعای خسارت به محیط زیست حین حفاری معادن نفت را مورد توجه جدی قرار داد. مدعی همچنان ادعا کرد که مخاطب، موافقت‌نامه مربوط به نحوه استخراج را نیز نقض کرده و این مسئله سبب آسیب‌های شدید زیست محیطی شده است (ICC Rep, 2016: 507).

این رأی نشان از موفقیت‌آمیز بودن داور بین‌المللی در حل اختلافات زیست محیطی دارد، زیرا فارغ از اینکه کدام طرف دعوا محکوم به جبران خسارت شده، محیط زیست حفظ شده و تعیین خسارت می‌تواند جلوی رفتارهای مخرب بعدی را نسبت به محیط زیست بگیرد.

دیوان داور در اولین گام باید صلاحیت خود را بر اساس موافقت‌نامه‌های موجود به اثبات برساند. البته هرچه میزان دامنه صلاحیت مرجع داور گسترده‌تر باشد، اثبات ادعای داور در حل مسائل مربوط به حقوق بشر و محیط زیست برای مدعی آسان‌تر خواهد بود. برای مثال در اختلاف بین اورباستر و آرژانتین، دولت آرژانتین درخواست پرداخت مبلغ ۱۹۰ میلیون دلار از سوی سرمایه‌گذار به سبب عدم رعایت حقوق انسانی دسترسی به آب را مطرح کرد که البته داور در نهایت این ادعا را به دلیل عدم صلاحیت خود رد کرد (Baltag, 2018: 2). به نظر می‌رسد که عدم توجه کامل دولت سرمایه‌گذار حین انعقاد قرارداد سرمایه‌گذاری می‌تواند مانع از رسیدگی به موضوعات زیست محیطی در محاکم داور شود. در هر صورت با توجه به نظرهای ارائه شده توسط دیوان داور، مشخص می‌شود که حق داشتن محیط زیست سالم و پاک از جمله حقوق بشر است. در کل داور بین‌المللی نقش مؤثر و مهمی در حل اختلافات بین حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست با تجارت بین‌الملل داشته است و امروزه فضای بیشتری برای طرح دعاوی و اختلافات تجاری مربوط به انطباق با مقررات زیست محیطی در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر، مالیات بر کربن و تعهدات تحت موافقت‌نامه پاریس، وجود دارد (Beradicurti, 2018: 29).

در پرونده‌هایی که موضوع حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست در آن موجود است، دیوان داور با سه دسته پرونده مواجه است:

۱. تصمیمات دولت سرمایه‌گذار در جایی که به اصول حقوق بشر مانند میثاق حقوق مدنی و سیاسی استناد می‌کند که این اسناد، استانداردهایی برای تعیین معیار «عدالانه و منصفانه» هستند. البته طبق معیار «انتظارات مشروع»، زمانی دولت میزبان می‌تواند اجرای حقوق بشر را از سوی دولت سرمایه‌گذار در

خاک کشورش متوقع شود که این مقررات حقوق بشری و زیست‌محیطی قبلاً در نظام حقوقی داخلی آن کشور وارد شده باشد (در قانون اساسی و یا قوانین عادی به موازین بین‌المللی حمایت از حقوق بشر و محیط زیست اشاره شده باشد). به همین سبب در پرونده^۱ ال واراک^۱ علیه اندونزی، دیوان داوری اظهار کرد که به دلایل مذکور دادخواست رعایت حقوق بشر عادلانه و منصفانه توسط اندونزی قابل پذیرش نیست، زیرا در نظام حقوقی این کشور از قبل مقوله‌های حقوق بشری وارد قوانین داخلی نشده است، بنابراین دولت اندونزی نمی‌تواند مدعی رعایت حقوق بشر توسط سرمایه‌گذار خارجی شود.

۲. تصمیمات دولت سرمایه‌گذار مبنی بر عدم رعایت مقررات حقوق بشری - زیست‌محیطی؛ یعنی دولت سرمایه‌گذار ادعای جبران خسارت را غیرقابل قبول یا مشروط بر اصول «تقصیر مشارکت» بداند. دولت میزبان ممکن است علیه دولت سرمایه‌گذار به دلیل عدم رعایت مقررات حقوق بشری و زیست‌محیطی طرح دعوا کند. برای مثال در دعوی آون در مقابل کاستاریکا، کاستاریکا به استناد عدم رعایت مقررات زیست‌محیطی از سوی سرمایه‌گذار طرح دعوا کرد. این اقدامات طرح دعوا علیه سرمایه‌گذار را توجیه می‌کند یا به‌طور جایگزین به دفاعی به نام «دست‌های ناپاک» منجر می‌شود.

در دعوی معدن کوپرمسا علیه اکوادور، دیوان نظر داد که مدعی علیه برای اعمال روز علیه افراد غیرنظامی از افراد مسلح استفاده کرده (بر خلاف موازین حقوق بشری رفتار کرده است)، اما سهم خواهان در آسیب‌دیدگی خود، حداقل ۳۰ درصد برآورد می‌شود (Baltag, 2018: 3). در این پرونده دیوان به مشارکت در تقصیر اشاره کرده است، یعنی هرچند دولت میزبان موازین حقوق بشری را رعایت نکرده، اما شرکت سرمایه‌گذار هم در ایجاد این شرایط مقصر بوده است (مشارکت در تقصیر).

۳. داوری بین دولتی یا تجاری - در این پرونده‌ها اصول حقوق بشر و قانون‌های محیط زیستی از موضوعات اختلاف است. برای مثال در پرونده^۲ بین رومانی و اتریش، دولت اتریش ادعا کرد که رومانی نتوانسته است هزینه جبران خسارت به دلیل آلودگی اماکن تاریخی راه، با اینکه پاکسازی محیطی در قرارداد طرفین پیش‌بینی شده بود، جبران کند. در این پرونده حقوق محیط زیست نقض شده و هرچند در ضمن یک موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری این نقض تعهد اتفاق افتاده است، همانند سایر تعهدات قراردادی، قابل پیگیری و جبران خسارت است.

به هر ترتیب، برای پایان دادن به نگرانی‌های مربوط به رعایت قوانین زیست‌محیطی حقوق بشری در قراردادهای سرمایه‌گذاری می‌توان دو راه پیشنهاد کرد: ۱. چارچوب حقوقی بین‌المللی الزام‌آوری را ایجاد کرد که از طریق آن بتوان رفتار کشورها را از طریق نقض حقوق بشر یا نقض مقررات زیست‌محیطی پیگیری کرد؛ ۲. زبان (الفاظ) مقررات سرمایه‌گذاری را برای اجرای بهتر حقوق بشر و

حفاظت از محیط زیست، اصلاح کرد (Baltage, 2018: 2).

از طرفی، به موجب ماده ۶۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، کشورهای آمریکایی می‌توانند در خصوص تفسیر کنوانسیون یا سایر معاهدات مربوط به حمایت از حقوق بشر در ایالات متحده آمریکا تقاضای مشورت با دادگاه داشته باشند. در سال ۲۰۱۶ کلمبیا در خصوص پروژه‌های جدید زیرساختی دائمی که خطرهای زیست‌محیطی شدیدی در منطقه دریای کارائیب ایجاد می‌کرد، درخواست مشورت از دیوان داوری کرد.

به نظر کلمبیا این آسیب زیست‌محیطی نه تنها تعداد کثیری از افراد مقیم در حوزه کارائیب را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه حتی می‌تواند به محیط زیست جامعه جهانی آسیب وارد کند. دادگاه نیز در این خصوص تصمیم گرفت که تعهدات عمومی زیست‌محیطی، ناشی از تعهدات مربوط به احترام به حقوق بشر است. نظر دادگاه از سه جنبه حائز اهمیت است؛ اولاً اینکه دادگاه در خصوص «صلاحیت» در رسیدگی به این پرونده اعلام کرد که حتی خسارات فرامرزی زیست‌محیطی می‌تواند در دادگاه به‌عنوان نقض حقوق بشر، مطرح شود؛ دوم اینکه حق داشتن یک محیط زیست سالم از حقوق اساسی بشر است؛ سوم اینکه دادگاه نتیجه گرفت که دولت‌های آمریکایی نباید خسارات زیادی به محیط زیست داخلی و یا خارجی وارد کنند (Beradicurti, 2018: 30).

به موجب گزارش سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۶، نقض حقوق بشر از سوی شرکت‌های خصوصی، بیشتر در کشورهای کم‌درآمد و با حاکمیت ضعیف (و نرخ بالای فساد) صورت می‌گرفت. بنابراین این شرکت‌ها همانند دولت‌ها، مسئول رعایت حقوق بشر و مقررات زیست‌محیطی‌اند، یعنی دیگر شرکت‌ها (اشخاص حقوقی) هم بازیگران حقوق بین‌الملل عمومی به حساب می‌آیند. همچنین در توافقنامه داخلی مرکوسور در سال ۲۰۱۷ سرمایه‌گذاران موظف به ارائه «بهترین تلاش» برای احترام به حقوق بشر افراد درگیر در فعالیتهای سرمایه‌گذاری شده‌اند. بیشتر موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری که در سال‌های ۲۰۱۷-۲۰۱۹ منعقد شده‌اند، بیانگر گرایش به سمت تأکید عموم بر اهمیت احترام به حقوق بشر، از جمله داشتن محیط زیست پاک هستند برای مثال در اصلاحیه سال ۲۰۱۷ در فصل سرمایه‌گذاری بین کانادا و شیلی به این مهم اشاره شده است (Baltage, 2018: 4).

از بررسی رویه محاکم داوری بین‌المللی در حوزه تجارت و سرمایه‌گذاری با حفاظت از محیط زیست، به اهمیت و موفقیت داوری در حل و فصل این اختلافات پی می‌بریم.

۳. مراجع شبه‌قضایی بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین مراجع شبه‌قضایی در حوزه تجارت و محیط زیست پنل‌های س.ت.ج است. پرونده‌های

زیست محیطی این رکن به پرونده‌های کلاسیک و مدرن تقسیم می‌شوند. در پرونده‌های کلاسیک رنگ و بوی آرای صادره بیشتر حمایت از تجارت آزاد بود، اما در پرونده‌های نسل جدید، که از سال ۲۰۰۸ به این طرف بررسی شده‌اند و بیشتر مربوط به حمایت از صنایع سبز و سیاست‌های صنعتی سبز هستند، شاهد تغییر گسترده در موضع پل‌های این سازمان به نفع حمایت از محیط زیست هستیم. این پرونده‌ها، بیشتر مربوط به مالیات بر کربن و انرژی‌های تجدیدپذیر مثل انرژی خورشیدی می‌شوند. برای مثال امروزه کشورهای صنعتی با عضویت در پروتکل کیوتو متعهد شده‌اند که میزان تولید گازهای گلخانه‌ای که سبب تخریب لایه ازن و آلودگی هوا می‌شود را تا میزان مشخصی کنترل و کاهش دهند. ۳۶ کشور توسعه‌افته‌ای که این پروتکل را امضا کردند، مکلف شدند تا میزان خروج گازهای گلخانه‌ای را به میزان ۵ درصد کمتر از حد آن در سال ۱۹۹۰ کاهش دهند. این کشورها در مجموع تولیدکننده ۶۶/۶ درصد از کل گازهای گلخانه‌ای در جهان هستند که این مسئله خود موجد تعهدات بین‌المللی برایشان شده است (Johnston, 2017: 1).

حال به بررسی رویه قضایی س.ت.ج در اختلافات تجاری-زیست محیطی می‌پردازیم.

۱.۳. پل‌های سازمان تجارت جهانی

یکی از بحث‌برانگیزترین پرونده‌ها در رکن حل‌وفصل اختلافات (س.ت.ج) مربوط به پرونده ماهی تن-دلفین می‌شود که مشمول قاعده ممنوعیت آمریکا در واردات ماهی تن برای حفاظت از دلفین‌ها می‌شود. قانون حمایت از پستانداران دریایی ۱۹۷۲ آمریکا، صیادان آمریکایی را موظف می‌کرد ماهی‌هایی را شکار کنند که از طریق متد صحیح ماهیگیری صید شده باشند تا از به دام افتادن ناخواسته دلفین‌ها در تورهای بزرگ ماهیگیری^۱ جلوگیری کند.

در سال ۱۹۸۴ کنگره آمریکا مقرراتی را تصویب کرد که به ایالات متحده اجازه می‌داد از واردات ماهی‌های تن از کشورهایی که روش‌های صحیح ماهیگیری را به کار نمی‌گیرند، خودداری کند. هدف آمریکا از برقراری این مقررات، ایجاد رقابت ناعادلانه برای ماهیگیران آمریکایی در مقابل رقبای آنان بود. زمانی که آمریکا در سال ۱۹۹۰ این تحریم را علیه مکزیکی و تعداد دیگری از کشورها اعمال کرد، مکزیکی علیه آن طرح دعوا کرد، با این استناد که ممانعت آمریکا از ورود ماهی تن باید متمرکز بر نوع کالا (ماهی تن) باشد نه بر روش‌های تولید کالا (روش ماهیگیری). از طرف دیگر مکزیکی ادعا کرد که آمریکا نمی‌تواند از مقررات گات به‌عنوان قوانین ملی و داخلی خود برای ایجاد مانع بر سر راه تجارت استفاده کند. پل‌های گات در سال ۱۹۹۱ با بررسی پرونده به نفع مکزیکی رأی دادند.

طرفداران محیط زیست با استناد به این رأی در دهه ۹۰ این گونه استنباط کردند که

1. purse seine net

گات توجهی به نگرانی‌های زیست‌محیطی ندارد و صرفاً مقوله تجارت را در نظر می‌گیرد (Falkner & Jaspers, 2012: 12-13).

مورد دیگر، پرونده میگو- لاک‌پشت بود که مجدداً آمریکا صید لاک‌پشت‌های دریایی نادر و هلاکت آنان حین صید میگو را منع کرده بود و این تحریم را علیه کشورهای واردکننده میگو به آمریکا که از روش‌های صید میگو بدون توجه به حفظ نسل گونه‌های در حال انقراض لاک‌پشت، صیادی می‌کردند، اعمال کرده بود. در این پرونده هند، پاکستان، مالزی و تایلند به دلیل تبعیض در تجارت توسط آمریکا در رکن حل‌وفصل اختلافات (س.ت.ج) علیه این کشور دعوا مطرح کردند.

هیأت استیناف در نهایت به دلیل تبعیض ناموجه یا محدودیت مخفی بر تجارت بین‌المللی، علیه آمریکا رأی صادر کرد (WTO Appellate Body Rep, 1998: 119-122).

آنچه واضح است در این دوره حفظ محیط زیست برای پنل‌های س.ت.ج در اولویت نبوده و صرفاً هدف، اجرای اصول تجارت آزاد بوده است.

مورد بعدی پرونده بیوتک- EC بود، که مربوط به سلامتی غذا در اتحادیه اروپا می‌شد. یک سری نگرانی‌هایی در زمینه سلامتی خورد و خوراک در اروپا در دهه ۱۹۸۰ و ۹۰، فشار عمومی زیادی را برای تصویب مقررات سلامتی غذا در سطح اتحادیه اروپا رقم زد. در نیمه دوم دهه ۹۰، کمپین‌های غیردولتی^۱ علیه ارگانسیم‌های اصلاح‌شده ژنتیکی اقداماتی را انجام دادند که به اعطای یک مهلت قانونی برای امه‌های کالاهای وارداتی که در آن دستکاری ژنتیکی منجر شده بود، در اتحادیه اروپا شد.

تحت تأثیر این فشارهای وارداتی در سال ۲۰۰۳، آمریکا، کانادا و آرژانتین دعوا را علیه محدودیت‌های تجاری اتحادیه اروپا در بازار کالاهای اصلاح‌شده ژنتیکی مطرح کردند.

در سال ۲۰۰۶ (س.ت.ج) مقرراتی را بر اساس رویه اروپا تدوین کرد و دریافت که تعیین مهلت قانونی برای امه‌های ارگانسیم‌های اصلاح‌شده ژنتیکی بالفعل در تناقض با قوانین (س.ت.ج) است. اما این یک رأی حقیقی برای نشان دادن برتری تعهدات (س.ت.ج) بر مقررات احتیاطی اروپا نبود (Falkner & Jaspers, 2012: 15). در این رأی سازمان تجارت جهانی نتوانست برتری تصمیمات قضایی خود را در مقابل اتحادیه اروپا اثبات کند.

قضیه لاستیک‌های روکش‌شده برزیل نیز مورد دیگری از پرونده‌های (س.ت.ج) و اختلاف بین محیط زیست و تجارت است. در این مورد رکن تجدیدنظر س.ت.ج استدلال کرد که ایجاد موانع واردات بر اساس موازین محیط زیستی موجه هستند، اما در اجرای ماده ۲۰ محدودیت‌ها نباید به تبعیض غیرموجه و خودسرانه بین کشورها منجر شود و برزیل موظف است قوانین خود را منطبق با مقررات سازمان تجارت جهانی قرار دهد.

بنابراین متوجه می‌شویم که طی دهه‌های گذشته، دیدگاه (س.ت.ج) در خصوص پرونده‌هایی که مضامین زیست‌محیطی دارند، تغییر یافته است. این رکن به تدریج پذیرفت که اقدامات محدودکننده تجارت به موجب ماده ۲۰ می‌توانند برای دلایل زیست‌محیطی موجه باشند؛ اما نباید سبب تبعیض خودسرانه و غیرموجه شوند (Falkner & Jaspers, 2012: 16, 17, 18).

به نظر بارکین و دسومبره^۱، تعارض قوانین سازمان تجارت جهانی با اقدامات دولت‌ها مبنی بر اعمال محدودیت بر تجارت، نه به سبب این است که این اقدامات (دولت‌ها) ذاتاً بد هستند، بلکه یا آنها به وضوح تلاش دولت‌ها در تولیدات صنعتی هستند که لباس زیست‌محیطی به تن کرده‌اند یا اینکه آنها ابزارهای نامناسبی برای هدف مدیریت محیط زیست به شمار می‌آیند (Desombre & Barkinj, 2004: -16). پرونده‌های مذکور در دسته نمونه‌های کلاسیک اختلافات تجارت و محیط زیست در س.ت.ج قرار می‌گیرند، اما در چند سال گذشته یک رشته تعارض‌های جدیدی پدیدار شده‌اند که با توجه به سیاست‌های صنعتی سبز که از سوی کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه برای حفاظت بیشتر از منابع تجدیدناپذیر طبیعت تدوین شده‌اند، سازگار است. از سال ۲۰۰۸ سیاست‌های صنعتی سبز به طرح بیش از دوازده اختلاف بین تجارت و محیط زیست منجر شده است که به آنان نسل جدید اختلافات تجارت و محیط زیست می‌گویند (Wu & Salzman, 2014: 416).

سیاست‌های صنعتی اصولی هستند که با مداخله دولت‌ها برای توسعه واحدهای تولیدی کلیدی داخلی به جهت تشویق تولیدکنندگان ایجاد می‌شود. وجود این سیاست‌ها پدیده نوینی نیست اما این سیاست‌ها جدیداً رنگ و بوی سبز به خود گرفته‌اند، یعنی دولت‌ها راهبرد سیاست صنعتی را برای حفظ انرژی‌های قابل تجدید و استخراج منابع طبیعی تجدیدناپذیر به کار می‌بندند. یکی از اشکال مهم سیاست‌های صنعتی سبز، اعطای یارانه عمومی است.^۲ بیش از نیمی از یارانه‌های انرژی تجدیدپذیر در دنیا توسط کشورهای اتحادیه اروپا تأمین می‌شود (Wu & Salzman, 2014: 419).

تنش‌های تجاری در سال‌های اخیر بین کشورهای بزرگ در موضوعات سیاست‌های صنعتی سبز افزایش پیدا کرده است. موضوع این پرونده مربوط می‌شود به مالیات بر کربن و برنامه (سیاست) کاهش سطح انتشار گاز کربنیک در تجارت که به طرح «کلاه و تجارت»^۳ موسوم است.

1. Desombre, Barkin

2. Feed- in- tariff

3. Cap – and – Trade

سیستم Cap – and – Trade: بهترین سیاست زیست محیطی و اقتصادی است که سبب کاهش انتشار گاز کربنیک در تجارت می‌شود و یک راه مناسب برای سهمیه‌بندی تولید گاز کربنیک برای هر دولت و توسعه تجاری و حفاظت از

اختلافات مربوط به نسل آینده نه صرفاً در (س.ت.ج)، بلکه همچنین از طریق آژانس‌های اجرایی داخلی (محاکم ملی) قابل رسیدگی هستند و با توجه به اینکه روند رسیدگی در سازمان تجارت جهانی طولانی‌تر و پرهزینه‌تر است، این مزیت مراجع ذی‌صلاح داخلی است که توان رسیدگی به این‌گونه دعاوی را داشته باشند. با وجود این ایجاد روش ثانوی برای دادخواهی اختلافات تجاری خطرهای خود را دارد و ممکن است خطر رفتارهای یکجانبه (مقابله به مثل)^۱ را تشدید کند. از طرف دیگر، احتمال بروز اختلاف بین قوانین (س.ت.ج) و قوانین داخلی کشورها وجود دارد. در این زمینه اغلب کشورهای در حال توسعه در پی تطبیق دادن قوانین خود با سیاست‌های حمایت‌گرانه از محیط زیست هستند و کشورهای توسعه‌یافته پیوسته به دنبال داشتن سیاستی هستند که قوانین (س.ت.ج) را غیرقانونی جلوه دهد (Wu & Salzman, 2014: 442-445).

چند نمونه از اختلافات نسل آینده که بعضاً در دست اقدام برای رسیدگی نهایی هستند عبارت‌اند از: دادخواست آمریکا علیه صفحه خورشیدی چین، دادخواست اتحادیه اروپا علیه صفحه خورشیدی چین، دادخواست چین علیه برنامه پلی‌سیلیکون کره و آمریکا، و دادخواست آمریکا علیه توربان‌های بادی چین و ویتنام و....

برای رسیدگی به این دعاوی هم می‌توان به مراجع داخلی و هم سازمان تجارت جهانی مراجعه کرد. اگر پرونده‌ای به‌عنوان خسارت تجاری در محاکم داخلی بررسی شود، نیازی نیست که طرف آسیب‌دیده (متضرر) سیاست‌هایش را منطبق با قوانین (س.ت.ج) قرار دهد و به همین سبب اگر در چنین پرونده‌ای خواهان (مدعی) پیروز شود، دولت به‌راحتی به‌طور یکجانبه تعرفه‌های بالاتری را علیه دولت بازنده تحمیل می‌کند. مگر اینکه طرف مقابل بتواند ثابت کند که خسارت از طریق دامپینگ صورت گرفته یا اینکه این کشور یارانه‌ها را دیگر برداشته است. در نتیجه گزینه‌هایی که طرف بازنده در پرونده خسارات تجاری پیش روی خود دارد، عبارت‌اند از:

۱. این کشور می‌تواند افزایش تعرفه را بپذیرد؛
۲. یا اینکه صادرات کالاها را به کشوری که تعرفه‌های یکجانبه را تحمیل می‌کنند، به‌منظور عدم پرداخت تعرفه اضافی، متوقف سازد؛
۳. یا اینکه قیمت کالایی را که تولید می‌کرده در حدی که دامپینگ تلقی نشود و یا به‌واسطه دریافت یارانه آسیبی به رقبای داخلی وارد نکند، پایین بیاورد (Wu & Salzman, 2014: 466).

بر خلاف گزینه‌های در دسترس رکن حل و فصل اختلافات سازمان تجارت جهانی، تمام این راه‌ها از نظر زیست‌محیطی مضرند، زیرا سبب افزایش قیمت‌های کالاهای زیست‌محیطی و گاه‌گاه کاهش حق انتخاب مشتری برای کالاهای زیست‌محیطی با قیمت کمتر می‌شوند. پیرو تصمیم آمریکا برای تحمیل ضد دامپینگ یکطرفه علیه صفحه خورشیدی چین، بسیاری متقاضی اصلاح قوانین (س.ت.ج) با مذاکره در خصوص توافقنامه فناوری پاک شدند.

آمریکا تعرفه صفحه خورشیدی را اخیراً به موجب توافقنامه جدید فناوری پاک ۱۰ درصد اعلام کرده است. اما اگر به موجب حکم داوری در محاکم داخلی میزان تعرفه به طور مطلق و برای جبران خسارات تجاری دولت آسیب‌دیده تعیین شود، آن دیگر مشمول این قاعده نیست. برای مثال داوری در دعوی آمریکا علیه صفحه خورشیدی چین تعرفه ۲۵۰ درصد را تعیین کرده و این میزان تعرفه در هر صورت چه توافق فناوری پاک وجود داشته باشد یا نه، فرقی نمی‌کند و باید اجرا شود.

بنابراین، شکل اختلافات نسل آینده موضوعات مهمی‌اند، که اگر از طریق رکن حل و فصل چندجانبه داوری شود، طرف بازنده باید از مقررات سازمان تجارت جهانی تبعیت کند و سیاست (س.ت.ج)، امروزه، حفظ منافع محیط زیست در مقابل سیاست‌های صنعتی غیرقانونی است. بر عکس اگر اختلاف شکل خسارات تجاری به خود بگیرد، این پرونده توسط دادگاه‌های اجرایی داخلی داوری می‌شود که می‌تواند مسبب مشکلات زیست‌محیطی شود (Wu & Salzman, 2014: 467, 468).

آخرین پرونده زیست‌محیطی که در رکن حل و فصل اختلافات (س.ت.ج) در سال ۲۰۱۱ مطرح شده است، مربوط به تقاضای مشورت (طرح دعوا) دولت اوکراین در خصوص اتهام به آلودگی محیط زیست از سوی کالاهای وارداتی دولت مولداوی است. اوکراین مدعی شد که کالاهای وارداتی از طرف مولداوی اولاً کالاهایی هستند که تولیدشان سبب آلودگی محیط زیست می‌شود و ثانیاً مولداوی از بسته‌بندی‌های پلاستیکی موسوم به تترایا استفاده کرده که شامل همه محصولات به‌جز لبنیات می‌شود و هزینه جداگانه‌ای بابت بسته‌بندی کالاها دریافت کرده است. دولت اوکراین معتقد است که بدین‌وسیله مولداوی مقررات مواد ۲ و ۴ گات را نقض کرده و از لحاظ رعایت قوانین ملی، با این محصولات همانند کالاهای داخلی برخورد نشده است. این پرونده در ژوئن ۲۰۱۱ تشکیل و پنل مربوطه تأسیس شده، اما هنوز رأی نهایی صادر نشده است (DSB Rep, 2011: 2).

۴. رویه دادگاه‌های داخلی

حدود نیمی از کشورهای جهان در سیستم قانونگذاری داخلی خود به‌طور صریح یا ضمنی، داشتن محیط زیست سالم و پاک را به‌عنوان حقوق اساسی بشر به رسمیت می‌شناسند و در تمام این کشورها وظیفه حفاظت از محیط زیست در اختیار قضات دادگاه‌های زیست‌محیطی داخلی است (James & Daly, 2019: 7).

با تحلیل و مقایسه رویه قضایی دادگاه‌های داخلی زیست‌محیطی، مانند دادگاه ملی سبز در هند، دادگاه زمین و محیط زیست در استرالیا و دادگاه منطقه‌ای لاهه در هلند، در خصوص اجرای موازین زیست‌محیطی در داخل کشورها متوجه می‌شویم که رویه محاکم مذکور با هم متفاوت‌اند. از این رو قضات، برای درک متقابل و دریافت دانش در حوزه اجرای مقررات زیست‌محیطی، گرد هم می‌آیند تا در این زمینه تلاش کنند. این نشان می‌دهد که دادگاه‌های داخلی نقش مهمی در شکل‌گیری احکام زیست‌محیطی دارند (2: Voigt, 2018).

دادگاه‌های محیط زیست در تعریف پربینگر^۱ (کتاب پربینگر به عنوان یک راهنما برای سیاستگذاران داخلی کشورها در حوزه محیط زیست توسط سازمان ملل متحد منتشر شده است)، شامل ارگان‌های قضایی کاملاً توسعه‌یافته، مستقل با کارمندان بسیار ماهر و بودجه کلانی است که به راه‌حل‌های ساده و کم‌هزینه اقتصادی روستایی منتهی می‌شود که یک روز پرونده‌های مربوط به محیط زیست را مورد قضاوت قرار می‌دهد.

حال به چند مورد از دعاوی که در داخل کشورها مطرح شده است، اشاره می‌کنیم:

دادگاه عمومی داخلی در اروپا در ۴ آوریل ۲۰۱۹ در پرونده T- 108/17، با شکایت سه شرکت بازیافت مواجه شد. این سه شرکت مدعی بودند که کمیسیون اروپا مصرف مقدار مشخصی از ایتیل اکسیل (ماده‌ای که برای نرم کردن پلاستیک و تهیه PVC است) را مجاز دانسته است. این شرکت‌ها اعلام کرده بودند که این ترکیب عملکرد خاصی برایشان ندارد و صرفاً این ماده به عنوان ناخالصی و به صورت ناخواسته در ضایعات جمع‌آوری و مرتب‌سازی و سپس پردازش شده و به صورت مواد بازیافت در بازار موجود است.

این ماده بازیافتی طی تحقیقات علمی سبب اختلال در غدد درون‌ریز انسان می‌شود و شواهد جدی مبنی بر احتمال خسارات زیست‌محیطی از طریق استفاده از این ماده در طبیعت و جود دارد که سبب ایجاد نگرانی‌های زیادی شده است. با وجود این کمیسیون اروپا، استفاده میزانی از این مواد را مجاز دانسته و اجازه ورود به بازار و استفاده از ترکیبات پی.وی.سی^۲ نرم و بازیافت‌شده را صادر کرده است.

شرکت کلاینت یرت^۳ از کمیسیون خواست تا یک بررسی داخلی در خصوص این تصمیم خود انجام دهد. کمیسیون در نهایت این ادعا را به دلیل بی‌اساس بودن رد کرد. این شرکت معتقد بود که کمیسیون، به اصل احتیاط توجه کافی مبذول نداشته است. دادگاه عمومی نظر داد که این تصمیم کمیسیون اروپا، قانونی را نقض نکرده و اصل احتیاط را نمی‌توان به گونه‌ای تفسیر کرد که به

1. Prings
2. PVC
3. Client Earth

کمیسیون اجازه دهد تا از اختیاراتی که به موجب ماده (۴) ۶۰ به وی اعطا شده است، امتناع ورزد و در صورتی که اصل تناسب نقض نشده باشد، کمیسیون به استناد اصل احتیاط نمی‌تواند از صدور مجوز امتناع کند (EEL, 2019: 1).

بنابراین، محاکم داخلی در اروپا در حوزه اجرای موازین زیست‌محیطی تابع تصمیمات کمیسیون اروپا هستند. البته این به معنای پذیرش مطلق مصوبات کمیسیون نیست، بلکه دادگاه‌ها می‌توانند مصوبات مذکور را مورد تجزیه و تحلیل حقوقی قرار دهند و در صورت انطباق با اصول حقوقی آنها را تأیید کنند. مورد بعدی مربوط به قانون برچسب‌زنی کشاورزی ارگانیک بر روی حیوانات ذبح‌شده‌ای می‌شود که قبل از ذبح حیرت‌زده شده باشند. در ۲۶ فوریه ۲۰۱۹ دیوان عدالت اتحادیه اروپا تصمیم گرفت که برچسب «کشاورزی ارگانیک» را نمی‌توان روی گوشت حیواناتی زد که به‌طور منظم ذبح شده‌اند، بدون اینکه قبل از ذبح، مبهوت شده باشند. چنین قتل‌عامی انحراف در اتحادیه اروپا و صرفاً برای اطمینان از رعایت آزادی دینی برای پیروان مذاهب است. حیوان پیش از ذبح باید خیره شده باشد تا تمام درد و رنج آن حین جان دادن به حداقل ممکن برسد، بنابراین نظر دادگاه این است که استفاده از برچسب محصولات ارگانیک برای حیواناتی که پیش از ذبح این مرحله را طی نکرده باشند، مجاز نیست (EE L, 2019: 2). در این رأی، دیوان عدالت اروپا آزار حیوان پیش از ذبح را در زمره نقض مقررات زیست‌محیطی می‌داند و بر روی چنین محصولاتی برچسب ارگانیک الصاق نمی‌کند. در این رأی شاهد تلاقی حقوق بشر و حقوق محیط زیست در موضوعی تجاری هستیم. از یک سو حقوق اقلیت‌های دینی مبنی بر ذبح حیوان بدون مبهوت شدن و از طرف دیگر حفظ حقوق حیوانات که قسمتی از حقوق محیط زیست را تشکیل می‌دهد. در این مورد دیوان حفظ حقوق حیوانات و مقررات زیست‌محیطی را نسبت به حقوق تجاری ارجح دانسته و حتی عدم رنج بردن حیوان پیش از ذبح را برتر از منافع تجاری دانسته است.

نکته دیگر در این رأی این است که در اروپا اقلیت‌های مذهبی از حقوق بهره‌مندی از محصولات مطابق با آیین دینی خود منع نشده‌اند و صرفاً این محصولات را با برچسب ارگانیک نمی‌توانند تهیه کنند. مورد دیگری که می‌توان اشاره کرد، محاکم داخلی کشور چین در خصوص محیط زیست است. در این کشور موانع اصلی بر سر راه اجرای محیط زیست عبارت‌اند از: سازمان‌های اجتماعی، ارگان‌های زیست‌محیطی و محاکم دادرسی، که همگی نواقصی دارند که باید جبران شوند. با بهبود سازوکارهای حمایت از محیط زیست از طریق ارگان‌ها و سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی، می‌توان شاهد ارتقای احترام به محیط زیست در چین بود. در این کشور با اعطای سازوکارهای تشویقی برای طرح دعوا از سوی افراد در دعاوی زیست‌محیطی برای مثال از طریق کاهش بار مالیاتی برای شاکیان محروم، به بهبود اجرای مقررات زیست‌محیطی کمک شایانی شده است. همچنین مسئولیت طرف خاطی به پرداخت

خسارت، از جمله روش‌های مؤثر دادرسی در چین است (Zhai & Chang, 2018: 369- 370). کشور سوئیس به عنوان یک کشور با سطح بالای استانداردهای حفاظت از محیط زیست، در عرصه بین‌المللی مورد دیگری است که می‌توان به آن اشاره کرد (Cullet, 1999: 1). با وجود پیشگام بودن این کشور در اجرای موازین حقوق بشر و محیط زیست در دسامبر ۲۰۱۸ دادگاه فدرال سوئیس، دعوی انجمن زنان ارشد برای حفاظت از محیط زیست، مبنی بر تأثیر منفی تغییرات آب‌وهوایی بر سلامت زنان مسن را رد کرد و از شاکیان خواست تا برای پیگیری حقوق خود به دادگاه اروپایی حقوق بشر در استراسبورگ مراجعه کنند. بنابراین دادگاه نتوانست از حقوق اساسی سالمندان به‌خصوص در دوران شیوع کوید ۱۹ حمایت کند. در این وضعیت و با خارج شدن کنترل تغییرات اقلیمی از دست مسئولان، نمی‌توان منتظر تصمیم سیاستمداران ماند که چه زمانی می‌خواهند از حقوق بشر حمایت کنند و این وظیفه دادگاه‌ها در سوئیس است که از حقوق سالمندان حمایت کند. تصمیم دادگاه فدرال نشان‌دهنده این است که حمایت از حقوق اساسی در بحران آب‌وهوایی در پایین‌ترین سطح قرار دارد و این به‌سادگی قابل قبول نیست. از این رو هیأت مدیره دادگاه به شاکیان پیشنهاد داد که مسئله را در دادگاه اروپایی حقوق بشر از سر بگیرند. در کل می‌توان گفت که محاکم داخلی در زمینه اجرای مقررات زیست‌محیطی که از طریق موافقت‌نامه‌های زیست‌محیطی یا تجاری بین‌المللی ایجاد شده‌اند، سبب تعهد به اجرای این مقررات می‌شوند.

۵. نتیجه

از مجموع مطالب مذکور نتیجه می‌گیریم که در رویه قضایی بین‌المللی در خصوص تجارت آزاد بین‌الملل و حفاظت از محیط زیست، با رویه‌های متفاوتی مواجهیم که سبب اجرای مؤثرتر مقررات زیست‌محیطی شده است.

رویه مراجع قضایی بین‌المللی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری هرچند با پرونده‌های محدودی در زمینه محیط زیست مواجه شده، اما در مورد همگی توجه خاصی به مقررات زیست‌محیطی داشته و بعضاً این موازین را جزء تعهدات حقوق بین‌الملل عمومی قرار داده است. رسیدگی به موضوعات زیست‌محیطی از طریق داوری بین‌المللی بیشتر رایج است، زیرا این روش حق انتخاب داوران و بررسی‌های فنی را برای طرفین فراهم می‌کند و به لحاظ اطلاع دادرسی، زمان کوتاه‌تری را برای رسیدگی و صدور رأی در نظر می‌گیرد و طرفین، آسان‌تر، قضاوت را می‌پذیرند. در محاکم داخلی نیز، مسئله حفاظت از محیط زیست زیرمجموعه حقوق بشر قرار گرفته و به شرطی که این مسئله وارد نظام قانونی داخلی کشورها شده باشد، به راحتی قابل اعمال است. اما در رویه مراجع شبه‌قضایی، مانند پنل‌های سازمان تجارت جهانی، شاهد تغییر و تحولاتی هستیم که در نهایت به نفع محیط زیست ختم می‌شود.

در سازمان تجارت جهانی با دو دسته پرونده‌های کلاسیک و مدرن مواجهیم. در ابتدا دیدگاه این رکن، بیشتر به حمایت از تجارت آزاد معطوف بود، اما با گذر زمان و طرح پرونده‌های جدید (مدرن) نگاه این سازمان به محیط زیست و حفاظت از آن به شدت تغییر یافت.

پرونده‌های مدرن (جدید) سازمان تجارت در پرتو سیاست‌های صنعتی سبز برای حفظ انرژی‌های تجدیدپذیر معنا و مفهوم یافت، و نسل جدید پرونده‌ها در ساختار این سازمان با رویکرد شدید زیست‌محیطی همراه شد. در این پرونده‌ها مهم‌ترین موضوع ایجاد کمترین آسیب به محیط زیست در پرتو تجارت آزاد است، زیرا محیط زیست یک پدیده به هم پیوسته و متصلی است که آسیب به یک نقطه از آن سبب آسیب به کل آن خواهد شد و رویه قضایی داخلی و بین‌المللی با توجه به این مهم، در سال‌های اخیر به سمت حفاظت بیشتر از محیط زیست داخلی و جهانی در مقابل تجارت آزاد حرکت کرده است.

هرچند این رویه‌های قضایی روند خوبی در جهت حفاظت از محیط زیست داشته، اما کافی نیست و جامعه جهانی به شدت نیازمند تأسیس مرجع قضایی تخصصی در این زمینه است که البته این مسئله نیازمند همکاری بین‌المللی است.

منابع

۱. فارسی

الف) کتاب‌ها

۱. آرش پور، علی‌رضا (۱۳۹۲). مسئولیت بین‌المللی نقض تعهدات زیست‌محیطی. تهران: جاودانه جنگل.

ب) مقالات

۲. زارعی، سحر؛ پورهایمی، سیدعباس؛ پورنوری، منصور (۱۳۹۶). توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست در پرتو آرا و رویه قضایی بین‌المللی. علوم و تکنولوژی محیط زیست، ۱۹(۳)، ۱۹۷-۲۱۶.
۳. عزیز، ستار؛ موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۵). پرونده گابچیکوو-ناگیماروس: نقش دیوان بین‌المللی دادگستری در برجسته‌سازی مفهوم توسعه پایدار. مجله حقوقی بین‌المللی، ۵۵(۱)، ۱۰۹-۱۳۴.
۴. وکل، فیلیپ (۱۳۷۸). همسویی حقوق معاهدات و حقوق مسئولیت بین‌المللی در پرتو رأی ۲۵ سپتامبر ۱۹۹۷ دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به طرح گابچیکوو-ناگی ماروس. ترجمه سید علی هنجنی. مجله تحقیقات حقوقی، ۲(۲)، ۲۵-۲۶، ۱۸۳-۲۲۹.
۵. یورو نیوز، (۲۰۱۳/۰۶/۲۶) آغاز بررسی شکایت استرالیا از ژاپن در مورد شکار نهنگ.

۲. انگلیسی

A) Books

1. Vogit, C. (2018). *Courts and the Environmen*. Edward Elgar Publishing. p. 456.

B) Articles

2. Baltage, C. (2018). Human Rights and Environmental Dispute in International Arbitration. *University of Bedfordshire*. July 24.
3. Beharry, C., & Kuritzky, M. (2015). Going Green: Managing the Environment Through International Investment Arbitration. *American University International Law Review*, 30(3).
4. Berardicurti, B. (2018). Environmental Matters and International Arbitration: Has the Time Come?. Available from: bberadicurti@legance.
5. Cullet, P. (1999). International Environmental Law in Domestic Courts: Switzerland. *International Environmental Law Research*. IELRC working paper.
6. Desombre, R., & Barkin, J.S. (2004). Turtles and Trade: The WTO's acceptance of environmental trade restrictions. *Global Environmental policicis* 2(1).
7. Environmental Case Law Database (2019). *European Environmental Law* 2.0.
8. Falkner, R., & Nico, J. (2012). Environment Protection, International Trade and the WTO. *Ashgate Research Companion to International Trade Policy*.
9. James, R., M., & Erin, D. (2019). Global Judicial Handbook on Environment Program (UNEP). *Widener University Delaware Law school*. 104.
10. Johnston, E. J. (2017). 20 Years after Kyoto Protocol, where does world stand on climate. available from: [http:// www.Japantimes.co.jp/news](http://www.Japantimes.co.jp/news).
11. Mark Wu. & Salzman, J. (2014). The Next Generation of Trade and Environment Conflicts: The Risc of Green Industrial Policy. *Printed in U.S.A*, 108(2).
12. Moldova- Measures Affecting the importation and Internal sale of goods (Environmental charg), DS421 visited on: <http://www.wto.org/english/tratop-e/c>.
13. Zhai, T., & Chang, C. (2018). Standing of Environmental Public – Interest Litigants in china: Evolution, Obstacles and Solutions, *Journal of Environmental Law*, 30(3), 369- 397.

C) Cases

14. Aerial Herbicide Spraying (Ecuador vs. Colombia). Order of 13 September (2013). International Court of Justice (ICJ). General List, No.138. Available at: www.icj-cij.org
15. ICC Case No 19869/(2016), MCP/ DDA, Partial award. not published
16. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay) 20 April 2010. Summary of the Judgments (ICJ). Available at: www.icj-cij.org
17. Shrimp/Turtle, Appellate Body Report(1998) The ICJ and Environmental Case Law- Thinking Points(2016). Available from: <http://www. UIO.no > Jus 5520 > ICJ – and-international- environmental- Law>